

وضعیت مسلمانان در اروپا؛

چالش‌های فراروی و چشم انداز آینده

محمد قربانپور دلاور^۱

چکیده:

حضور مسلمانان در کشورهای اروپایی موضوع بسیار با اهمیت و قابل توجهی است؛ زیرا این حضور در زندگی اجتماعی و جنبه‌های مذهبی و فرهنگی اروپا تأثیرگذاری دارد. جمعیت قابل توجه و رو به افزایش مسلمانان اروپا نشانگر گسترش سریع اسلام در این قاره است. رشد مهاجرت مسلمانان به اروپا و آمریکا از یک سوی و گرایش غیرمسلمانان به اسلام و موج جدید اسلام‌گرایی در کشورهای غربی از سوی دیگر، موجب رشد جمعیت مسلمانان نسبت به سایر سکته این جوامع شده است. به همین خاطر اروپاییان به شکل‌های گوناگون در صدد ایجاد مانع برای گسترش اسلام هستند و با طرح مباحث مختلف در عرصه‌های اجتماعی به دنبال به انزوا کشاندن مسلمانان می‌باشند. ولی با روند فعلی گسترش اسلام در اروپا، مسلمانان با وجود مشکلات متعدد، در سال‌های آینده نیروی اجتماعی و سیاسی موثری در چارچوب اتحادیه اروپایی خواهند بود و تأثیر مستقیم بر تصمیم‌گیری‌های سیاست داخلی و خارجی اروپا خواهند داشت. از این رو سعی و جدیت مردم مسلمان برای پشت سر نهادن بحران‌ها و تهدیدهای فرارو و استفاده از فرصت‌ها، آنان را جهت نیل به اهداف و دستیابی به حقوق خویش نزدیکتر خواهد نمود.

واژگان کلیدی: مسلمانان، اروپا، ظرفیت‌ها، چالش‌ها، تهدیدها، سناریوها، چشم‌انداز.

۱. کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل. پژوهشگر گروه اروپا در پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی (ص).
Delavar1354@gmail.com ، تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۱۹ تاریخ تصویب: ۹۳/۲/۲۹

مقدمه:

اسلام، دین آرامش، صلح، پویایی و زندگانی است که به حیات بیش از یک میلیارد انسان با نژادها، قومیت‌ها، فرهنگ‌ها، زبان‌ها و منطقه‌های مختلف جغرافیایی، معنا و روشنی بخشیده است. در طول قرون مختلف جوامع مسلمان با سرعت زیادی در مناطق گوناگونی از جهان از جمله اروپا، توسعه یافته و اسلام به عنوان دومین دین در اغلب کشورهای اروپایی مطرح است. با این وجود، مسلمانان اروپا هنوز از بسیاری از حقوق مذهبی، اجتماعی و سیاسی محروم بوده و در تلاش برای کسب حقوق برابر و نفوذ اجتماعی و سیاسی متناسب‌تر در این کشورها می‌باشند. نقش آینده مسلمانان در جایگاه‌های مهم تصمیم‌گیری‌های اروپا دور از تصور نمی‌باشد، هر چند که این نقش با چالش‌هایی از قبیل حفظ هویت دینی، جهت‌گیری و ساختار منسجم سیاسی، بحران مشروعیت سیاسی، وضعیت نامطلوب اجتماعی و اقتصادی و نیز سیاست‌های مبتنی بر مهار از سوی اروپایی‌ها مواجه خواهد بود.

این مقاله ضمن اشاره به تاریخچه حضور مسلمانان در اروپا، به بررسی و تحلیل وضعیت حال و آتی مسلمانان در اروپا، ظرفیت بالقوه آنان برای ایفای نقش مهم‌تر در تحولات اروپا و احیانا فرصت‌ها و چالش‌های فراروی آنان و در نهایت به چشم‌انداز آینده حضور مسلمانان در اروپا به روش تحلیلی - توصیفی پرداخته است.

الف. پیشینه حضور مسلمانان در اروپا:

مسلمانان در سال ۷۱۱ میلادی تحت فرماندهی طارق بن زیاد، با عبور از تنگه بین مراکش و شبه جزیره ایبریا^۱ (تنگه جبل الطارق) تقریباً سرتاسر شبه جزیره ایبریا (اندلس - اسپانیا که شامل پرتغال کنونی هم بود) را تسخیر کردند و پس از عبور از رشته جبال پیرنه تا قلب سرزمین فرانسه پیش رفتند.^۲ همچنین در سال ۷۱۴ میلادی

۱. Peninsula Iberian

۲ نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، جهانبخش ثواقب، بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۴۵ و تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون، ترجمه محمد تقی فخر، ص ۳۰۲.

یک لشکر اسلامی به سمت فرانسه حرکت نمود و منطقه ناربون را اشغال نمود و در سال ۷۲۰ میلادی مسلمانان در کل منطقه سارادینا مستقر شدند.^۱ فتوحات مسلمانان در جزایر دریای مدیترانه و به ویژه در جزیره سیسیل (صیقله) نیز در سال ۸۲۶ میلادی بوده است.^۲ مورخان اروپایی همچنین از حضور مسلمانان در اطراف دریاچه ژنو و منطقه وات در آلپ شرقی و در شرق سوئیس در سال ۹۴۰ میلادی خبر داده اند.^۳

دکتر کوچلر^۴ معتقد است: این یک حقیقت تاریخی است که شکل‌گیری تمدن اروپایی در قرون وسطی نتیجه رشد و ترقی تمدن اسلامی در اسپانیا بوده است. در طول پنج قرن، از قرن هشتم تا سیزدهم، تاریخ تمدن جهان تحت سیطره اسلام بود. تمدن اسلامی در مقایسه با تمدن مسیحی اروپا در آن دوران بسیار مهذب‌تر و روشن‌گرتر بوده بگونه‌ای که یک دوره دویست ساله رویارویی اروپا با تمدن اسلامی، اروپا را قادر ساخت دانش خود را در زمینه‌های علمی و پژوهشی بخصوص فلسفه، طب، نجوم، شیمی و ریاضیات گسترش دهد. حفظ گنجینه دانش و فلسفه یونان باستان برای آیندگان یکی از بزرگترین دستاوردهای دانشمندان مسلمان در قرون وسطی بود.^۵ با شروع حکومت عثمانی، سرعت گسترش اسلام به سوی اروپای مرکزی و حوزه بالکان بیشتر شد و تا امروز نیز با وجود تلاش‌های بسیار برای مغفول نگه داشتن اسلام، این دین به سرعت در حال انتشار در سراسر اروپاست و هر روز افراد زیادی با آن آشنا شده و به اسلام می‌گروند. با نفوذ حکومت عثمانی جمعیت ترک زبان در کشورهای چون بلغارستان، یوگسلاوی، رومانی و یونان افزایش یافت. تعداد بی شماری از مردم این مناطق هم، رفته رفته مسلمان شدند، تا حدی که کشور آلبانی در قلب اروپا، به کشوری با اکثریت مسلمان تبدیل شد.

۱. چالش‌های فراروی غرب و مسلمانان، دکتر مظفر اقبال، ترجمه سید عبدالمجید طباطبایی، بوستان کتاب، ۱۳۷۷، ص ۳۳.
 ۲. اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، زیر نظر کاظم بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۴۲۷.
 ۳. همان، ص ۱۶۲.

بخش مهم جمعیت کنونی مسلمان در اروپا، معلول مهاجرت مسلمانان، مخصوصاً بعد از جنگ جهانی دوم می‌باشد. در دهه ۶۰ قرن بیستم، به دلیل نیاز مبرم اروپا به نیروی کار، جمعیت مهاجران مسلمان در جست و جوی کار در حال شکل‌گیری بود. حتی قبل از بروز جنگ جهانی اول، مهاجرت مسلمانان به فرانسه، به عنوان کارگران ارزان شمال آفریقا شروع شده بود. «در سال ۱۹۱۲، بیش از پنج هزار نفر کارگر الجزایری در کارخانه روغن کشی زیتون شهر ماریسی و یا صنایع و معادن و شمال و جنوب کشور اشتغال داشتند. با بالا رفتن میزان مرگ و میر در جنگ، سیل مهاجرت ابعاد جدیدتری به خود گرفت. در خلال سالهای جنگ، بیش از دویست هزار الجزایری به این کشور وارد شدند که ۲۳ درصد آنها، برای همیشه در آنجا باقی ماندند.»^۱

اتریش، بلژیک، انگلیس، دانمارک، فرانسه، ایتالیا، هلند، سوئد، اسپانیا، سوئیس و آلمان کشورهایی هستند که جمعیت بزرگی از مسلمانان را در خود جای داده‌اند. فرانسه، آلمان و انگلیس که بیشترین مبارزات را با اسلام‌گرایی دارند، بیشترین جمعیت مسلمانان را دارا هستند. اکثریت مسلمانان اروپا، در کشورهای اروپای شرقی زندگی می‌کنند و این مسلمانان، بومیان همان کشورها هستند که قرن‌ها پیش به اسلام گرویده بودند. مناطقی چون آلبانی، بوسنی، کوزوو، بخش‌هایی از صربستان، مقدونیه و بلغارستان از کشورهایی هستند که مسلمانان زیادی را در خود جای داده‌اند.^۲

ب: وضعیت مسلمانان در اروپا:

دین اسلام به دلیل برخورداری از ظرفیت‌های معنوی، الهی و انسانی، در حال یافتن جایگاه خود در کشورهای اروپایی و غربی است. همه‌روژه شاهد گرایش شهروندان غربی به اسلام هستیم. در کنار این استقبال از اسلام، شاهد نوعی مقاومت نامحسوس نهادهای دولتی و سیاسی در مقابل اسلام‌گرایی در غرب می‌باشیم. در قرن بیستم، عمدتاً بعد از جنگ جهانی دوم، با توجه به نیاز کشورهای اروپایی به نیروی کار برای

۱. جوجن نیلسن، مسلمانان اروپای غربی، ترجمه سید محمد روئین تن، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۲۰.
 ۲. <http://www.euro-islam.info/country-profiles>

بازسازی کشورهايشان، شاهد مهاجرت مسلمانان از مناطق مختلف — به خصوص خاورميانه و آفريقای شمالي — به اروپا بوده‌ايم.

بیشتر مسلمانان کشورهای اروپای غربی، افرادی هستند که پس از جنگ جهانی دوم از آفریقا، خاورمیانه و پاکستان به این کشورها مهاجرت کرده اند. پس از جنگ جهانی دوم و بعد از رشد صنعت و کاهش نیروی کار در اروپا، مسلمانان از کشورهای مختلف به این قاره مهاجرت کردند. اما این مسلمانان، روابط فرهنگی، مذهبی و نژادی را با کشور مادر خود حفظ کردند. امروزه این مسلمانان و نوادگان آن‌ها، به همراه جمعیت روزافزون بومی‌هایی که به اسلام می‌گروند، اسلام را تبدیل به دومین دین اروپا کرده‌اند. جمعیت مسلمان اروپا از لحاظ نژادی و قومی تفاوت‌های بسیاری با هم دارند، ولی از لحاظ مذهبی دارای اشتراک هستند. در مقابل، بر اساس اعتقادات مذهبی و وجود اختلافات نگرشی، نتوانسته‌اند رابطه‌ی کاملاً خوبی با کشورهای اروپایی برقرار سازند و در واقع مجموعه‌ای از برخوردهای فرهنگی متقابل بین آن‌ها شکل یافته است. این که مسلمانان در جامعه‌ی سکولار چگونه عمل خواهند کرد و تا چه اندازه می‌توانند پذیرای معیارهای سکولار کشورهای اروپایی باشند دغدغه‌ی آنان است.^۱

دنیای اسلام و اروپا تاریخی طولانی از تعامل و مواجهه را پشت سر گذاشته اند، مسلمانان ساکن اروپا، عمدتاً نماینده اقلیت پسا استعماری بوده و بیشتر اهل کشورهایایی هستند که قبلاً به وسیله کشورهای اروپایی مورد استعمار یا سلطه قرار گرفته اند. لذا این ریشه استعماری و پسا استعماری حضور مسلمانان در اروپا تأثیر مستقیمی بر تصور از اسلام در فرهنگ اروپایی بر جای گذاشته است. همین مسأله تعلق و تجاهل اروپا در درک از اسلام را تبیین می‌کند که چرا مدت‌ها طول کشید تا اروپایی‌ها درک کنند که اسلام به یک پدیده ثابت در چشم انداز مذهبی اروپا تبدیل شده است.

۱. تعامل متفاوت کشورهای اروپایی با مسلمانان

تلقی دولت‌های اروپایی از رفتار با مهاجران، نحوه پذیرش حقوق مذهبی مسلمانان

و اینکه چگونه درخصوص شناسایی و تأمین حقوق مذهبی آنان عمل نمایند، تا حد زیادی در کشورهای مختلف با هم متفاوت است. گرچه کشورهای اروپایی نگرش‌ها و چالش‌های نسبتاً مشابهی درخصوص مسلمانان مقیم دارند، اما بین آنها درخصوص به رسمیت شناختن مطالبات مذهبی و اجتماعی مسلمانان تفاوت قابل توجهی وجود دارد. به عنوان مثال در انگلیس این سؤال مطرح بوده که آیا نظام آموزش و پرورش دولتی باید به طور کامل نسبت به تأمین مالی مدارس خصوصی مسلمانان اقدام نماید، همان طور که در مورد مدارس مسیحی و یهودی عمل می‌شود؟ و یا آلمان با این مسأله مواجه بوده که چگونه جایگاه «نهاد عمومی» را به مسلمانان همانند مسیحیان و یهودی‌ها اعطا نماید. اعطای چنین جایگاهی به مثابه شناسایی رسمی اسلام در آلمان و پذیرش اسلام به عنوان بخشی از چشم انداز مذهبی این کشور خواهد بود و این وضعیت، به سازمان‌های رفاهی و اجتماعی مسلمانان اجازه می‌دهد تا از اعتبارات دولتی استفاده کنند. فرانسه نیز سالهاست با مسأله حجاب زنان مسلمان در مدارس عمومی مواجه است و تلاش کرده به شکل سخت گیرانه با آن مقابله نماید، لذا این کشور الگوی تنوع فرهنگی را در مدارس رد کرده است. دولت فرانسه و بخشی از افکار عمومی این کشور مخالف پوشیدن نمادهای آشکار مذهبی هستند و آن را مغایر نظام لائیسیته می‌دانند.^۱

هر یک از کشورهای اروپایی شاهد جدلهایی در مورد مسائل بحث برانگیزی چون مقررات تأسیس مساجد و سیاستگذاری در مورد نیازهای مذهبی شهروندان مسلمان و اهداف سیاست‌های عمومی در قبال مسلمانان بوده اند. در واقع هر چه مسلمانان بیدارتر شده و نسبت به رسوم و باورهای دینی و مراسم مذهبی خود پایبندی بیشتری پیدا کرده اند، غربی‌ها و کشورهای اروپایی نسبت به مسلمانان سخت گیرتر شده‌اند. چنانچه می‌توان از فرانسه به عنوان یکی از سخت گیرترین این کشورها نام برد که حتی دانش آموزان را به دلیل رعایت حجاب اسلامی از

۱. Muslims in Europe: Intergration Policies in Selected Countries, CRS Report for Congress, ۲۰۰۵, p. ۲۴ Paul Gallis and Others,

تحصیل محروم می‌کند و جرایمی را برای داشتن حجاب قرار می‌دهد.

۲. آماری از گسترش اسلام در اروپا

اسلام، متأثر از تداوم مهاجرت مسلمانان و نرخ بالای زاد و ولد در میان آنها، در حال حاضر از بیشترین رشد در میان ادیان اروپا برخوردار است. شمار مسلمانان در اروپا در سی سال گذشته سه برابر شده است و بیشتر متخصصان آمار، رشد مشابه یا حتی بالاتری را برای دهه‌های آینده پیش بینی می‌کنند. اهمیت و تأثیر اجتماعی این جمعیت رو به رشد با عنایت به نرخ رشد پایین در بین جمعیت اروپایی مشخص می‌گردد.^۱

بر اساس آمار منتشر شده در سال ۲۰۱۰، جمعیت مسلمان اروپا بدون احتساب ترکیه، حدود ۴۴ میلیون نفر یعنی ۶٪ جمعیت کل اروپا بود. روسیه، بزرگ‌ترین جمعیت مسلمان اروپا را داراست. نماینده عالی حقوق بشر در امور پناهندگان، برآورد کرده است که بیش از ۷۰٪ مردم آلبانی، ۹۱٪ مردم کوزوو، و ۳۰ درصد جمعیت مقدونیه مسلمان هستند. در سال ۲۰۰۶، میزان رشد جمعیت مسلمانان در جهان سالانه ۱٫۲ درصد عنوان شد. پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ سرعت رشد جمعیت مسلمانان دو برابر سرعت رشد جمعیت دیگر ادیان باشد و تا سال ۲۰۳۰، مسلمانان بیش از یک چهارم جمعیت جهان را تشکیل دهند. امروزه اسلام دومین دین بزرگ اروپاست.^۲ بر اساس گزارش موسسه آرشيو مرکزی اسلامی آلمان، ۵۳/۷ میلیون نفر مسلمان در سرتاسر اروپا شامل مسلمانان روسیه و بالکان زندگی می‌کنند.^۳

طبق آمار جدید منتشره در سال ۲۰۱۳، سالانه ۵۰۰۰ انگلیسی مسلمان می‌شوند که نیمی از آن‌ها سفیدپوست بوده و از این میان ۷۵ درصد زنان هستند. طبق آمار، در انگلیس ۷۷ درصد خانواده‌های مسلمانی که به عقاید مذهبی خود پایبند بوده و اعمال مذهبی را انجام می‌دهند، به‌خوبی اعتقاداتشان را به نسل بعد منتقل می‌کنند، در حالی که

۱. خلیل شیر غلامی، جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه، ص ۸.
۲. <http://www.euro-islam.info/country-profiles>

۳. خلیل شیر غلامی، همان، ص ۷.

این آمار در خانواده‌های مسیحی ۲۹ درصد است. بر اساس گزارش منتشر شده توسط یک مؤسسه آمریکایی، تعداد مسلمانان انگلستان (شامل انگلیس، ولز و اسکاتلند) در سال ۲۰۰۱، ۱,۶ میلیون نفر بود اما در سال ۲۰۱۰ این تعداد به ۲,۹ میلیون افزایش یافت. امروزه در خیابان‌های شهرهای انگلیس، مترو، اتوبوس‌ها و ... تعداد زنان محجبه آنقدر زیاد است که گاهی در یک مکان خاص، غیرمسلمانان و بی‌حجاب‌ها انگشت‌شمار هستند. همچنین در خیابان‌ها صحنه نماز خواندن یک مسلمان، تبدیل به تصویری عادی و روزمره برای مردم انگلیس شده است.^۱

سرعت گسترش اسلام در اروپا به حدی زیاد است که اسلام هراسان از آن به عنوان بمبی خطرناک یاد کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند. این افراد، از انگلیس و اتحادیه اروپا درخواست کرده‌اند تا از مهاجرت میلیون‌ها مسلمان به اروپا و معرفی و انتشار اسلام در کشورهای اروپایی جلوگیری کنند. رشد اسلام در اروپا نه تنها رو به کاهش نیست، بلکه اثرات آن با قدرت در حال افزایش است. پس از حملات صرب‌ها به مسلمانان بوسنی و هرزگوین، گرایش به شناخت اسلام در این کشور و کشورهای اطراف نیز بیشتر شد.

جمعیت هفت‌میلیونی مسلمان ساکن فرانسه بیش از پروتستان‌های این کشور است. بدین ترتیب، مسلمان‌ها دومین گروه بزرگ دینی را تشکیل می‌دهند.^۲

ج: چالش‌های فراروی مسلمانان در اروپا:

حدود ۲۰ میلیون مسلمان در کشورهای عضو اتحادیه اروپا زندگی می‌کنند. این مسلمانان در قالب شهروند و مهاجر، در این کشورها حضور دارند و با توجه به نرخ رشد بالای جمعیت در میان مسلمانان، تعدادشان رو به فزونی دارد. از جمله چالش‌های این مسلمانان آن است که برخی کشورهای اروپایی، حضور این جمعیت مسلمان را به دلیل

۱ http://www.euro-islam.info/country-profiles/united_kingdom.

۲. مارتین بالمر و جان سولوموز، مطالعات قومی و نژادی قرن ۲۰، ترجمه ی پرویز دلیرپور، سید کمال سروربان، تهران، مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱، ص ۱۷۲.

برخورداری آن‌ها از فرهنگ و باور غیر اروپایی خود بر نمی‌تابند و نگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به این مسلمانان دارند. وجود این نگاه تبعیض‌آمیز عمدتاً به هویت اسلامی این جمعیت مربوط می‌شود. این مسلمانان که از ملیت‌ها، پیشینه اجتماعی و سطوح اقتصادی متفاوتی برخوردار می‌باشند، به این جهت توانسته‌اند در کشورهای اروپایی خود را به عنوان جمعیتی متمایز مطرح کنند که همگی با توسل به اسلام و فرهنگ‌های بومی هویت پیدا کرده‌اند. ریشه این امر در این واقعیت نهفته است که زندگی در غربت سبب می‌شود تا مسئله هویت به موضوعی بسیار مهم و اساسی تبدیل شود.

حملات ۱۱ سپتامبر در آمریکا و به دنبال آن وقوع حوادث تروریستی در مادرید و لندن، توسط گروه القاعده از یک سو و تعمیم دادن اقدام این گروه به مسلمانان همراه با تبلیغات گسترده توسط آمریکا و برخی از رسانه‌های غربی از سوی دیگر، موجب شد تا جوامع اسلامی در اروپا بیشتر مورد توجه و موشکافی قرار گیرند و نوعی ذهنیت منفی در افکار عمومی اروپایی نسبت به آنها شکل گیرد. این ذهنیت منفی به نوبه خود سبب شده است تا تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌هایی که در گذشته در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در خصوص اقلیت‌ها در اروپا وجود داشته در مورد اقلیت مسلمان در کشورهای اروپایی، با شدت بیشتری تداوم پیدا کند.

۱. چالش‌های اجتماعی و اقتصادی

یکی از مشکلات بزرگ پیش روی مسلمانان اروپا وضعیت اجتماعی و اقتصادی آنها است. در سال‌های اخیر بخش زیادی از فرصت‌های کاری مهاجران در کارخانجات، جای خود را به بخش‌های خدماتی چون بهداشت، مالی و تکنولوژی‌های بالا داده است. فقدان آموزش و تحصیلات عالی در میان مهاجران مسلمان، فرصت‌های جدید را خارج از دسترس بسیاری از مسلمانان و فرزندان آنها قرار داده است. در نتیجه نرخ بیکاری در میان مسلمانان بالا است.

تفکیک نژادی، چه با اختیار و چه بالاجبار معمول است و شمار زیادی از مسلمانان در محله‌هایی زندگی می‌کنند که نرخ فقر و جنایت در آنها بالا می‌باشد. در فرانسه ۱۱۳ مسلمانان عمدتاً در حومه‌ها و زاغه نشین‌هایی ساکن هستند که از لحاظ مسکن،

آموزش و امنیت وضعیت نامطلوبی دارد. نابرابری در موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی، در چشم انداز سیاسی و فرهنگی هم دیده می‌شود.

علاوه بر آن مسلمانان در جوامع مبتنی بر یهودیت و مسیحیت در مورد حفظ و آدای فرایش و عقاید مذهبی خود و ارزش‌های سکولار و نیز کسب جایگاه در سیاست و فرهنگ جامعه، دغدغه جدی دارند.

جوامع مختلف مسلمان در اروپا، رهبری واحدی ندارند که از جانب آنان سخن بگوید. مسلمانان اروپا بیشتر بر مسائل محلی خود تمرکز داشته و از فعالیت در گستره ملی یا اروپایی غافل بوده‌اند. عامل مهم در عدم موفقیت شهروندان مسلمان در اروپا، موقعیت ضعیف اجتماعی و اقتصادی اکثریت مسلمانان در منطقه است.

۲. چالش‌های فکری و سازمانی

دور از انتظار نیست که در آینده شکاف میان نسل اول مهاجران مسلمان به اروپا و نسل دوم و سوم که متولد اروپا هستند، در سطوح فکری و مفهومی چالش ساز باشد. نسل جدید مسلمان ناگزیرند اسلام را در چارچوب هویت اروپایی خود و به عنوان افرادی که در اروپا زاده شده‌اند تعریف نمایند. برخی تلاش کرده‌اند ماحصل چنین تأملاتی را مفهوم «اسلام اروپایی»^۱ تلقی نمایند که در چارچوب آن آموزه‌های سنتی اسلام و قرآن تحت تأثیر ارزش‌های غربی قرار می‌گیرد. چالش‌های مفهومی و به عبارتی فقهی آنجاست که برای اولین بار در تاریخ اسلام، شمار قابل توجهی از مسلمانان در یک جامعه سکولار به عنوان اقلیت زندگی می‌کنند. در شرایطی که میلیون‌ها مسلمان در اروپا زندگی می‌کنند، بناگزیب باید نوعی بازاندیشی در مفاهیم صورت گیرد و در همین چارچوب مفاهیمی همچون دارالشهاده و دارالعهد به جای دارالاسلام و دارالحرب مطرح شده است. این چالش‌ها وقتی بزرگتر می‌شود که تعدد ملیت‌ها و نژادهای مسلمان، رسیدن به اجماع در خصوص مفاهیم دینی و فقهی را دشوار سازد.^۲

۱. European Islam.

۲. جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۳۸۸، صص ۳۹۵-۴۴۹.

به همین خاطر به رغم وجود ظرفیت‌های بالای مسلمانان اروپا، بزرگترین چالش پیش روی آن‌ها عدم انسجام فکری و سازمانی و پراکندگی آنان در مبنای معیارهای ملی، قومی، نژادی و مذهبی و فرقه ای است. این عدم انسجام به خوبی مورد توجه دولتهای اروپایی بوده و آنها تلاش می‌نمایند به این پراکندگی دامن بزنند.

۳. موج اسلام‌هراسی و تقابل با مسلمانان در اروپا

سابقه اصطلاح اسلام‌هراسی^۱ به دهه ۱۹۸۰ باز می‌گردد، اما پس از ۱۱ سپتامبر استفاده بیشتری از آن شد. موسسه رانیمد تراست^۲ در انگلستان، اسلام‌هراسی را ترس و نفرت از اسلام و بنابراین، ترس و نفرت از همه مسلمانان تعریف کرد و ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. اسلام‌هراسی در کشورهای مختلف به شکل‌های متفاوتی بروز کرده است. در برخی کشورها این پدیده بر اساس نوع نگاه به اسلام و مسلمانان به عنوان «دیگر ملی» بنیان یافته است.^۳ نمونه این جوامع انگلستان و فرانسه است که هندی‌ها و الجزایری‌ها به ترتیب در این کشورها به سبب تفاوت دینی و تمدنی شان با سنت و هویت ملی، دیگر ملی محسوب می‌شوند. سابقه ارتباط این کشورها با انگلستان نیز این وضعیت را تقویت می‌کند. بنا به گفته مالکوم براون و رابرت مایلز، این احساس اگر چه به خودی خود نژادپرستی نیست، اما با نژادپرستی تعامل بسیاری دارد.^۴ کتاب کار اجتماعی اقلیت‌ها، چشم اندازهای اروپایی، اسلام‌هراسی را شکل جدیدی از نژادپرستی در اروپا می‌داند و مدعی است که اسلام‌هراسی نیز مانند آنتی سمیتیسم در اروپا، هم نژاد بیگانه ترسی، نژاد پرستی و عدم تساهل است.^۵

۱. Islamophobia.

۲. Ronneymede Trust.

۳. تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا، ترجمه دکتر علی مرشدی زاده، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، سال ۱۳۸۸، ص ۱۵ و ۱۶.

۴. R.Miles & M.Brown, (۲۰۰۳). Racism. London, New York, Routledge, P, ۱۶۳, ۱۶۴.

۵. Social Work and Minorities, European Perspectives. London, New York, Routledge, P, ۱۸۲.

پدیده‌ی اسلام‌هراسی در اروپا، به خصوص با وقوع حوادث یازده سپتامبر ۲۰۰۱، رشد چشم‌گیری یافت. تنها ظرف دو هفته از این حادثه ۶۰۰ مورد اعمال جنایت کارانه و خشونت طلبانه بر ضد مسلمانان روی داد که عمده‌ی قربانیان آن را دختران و زنان مسلمان تشکیل می‌دادند. دختران و زنان مسلمان به خاطر حجابشان، که معرف هویت و اعتقاد آن‌هاست، آسان‌ترین هدف گروه‌های نژادپرست و افراطی ضداسلام به شمار می‌روند و کم نبودند دختران معصومی که از پشت سر با ضربات چوب‌های بیس‌بال مورد ضرب و شتم افراطیون انگلیسی قرار گرفتند.^۱

خانم دکتر لوراین شریدان^۲، پژوهشگر موضوع اسلام‌هراسی در دانشگاه لیکستر، پس از برشمردن مواردی از مصادیق اعمال اسلام‌هراسی نظیر پرتاب تخم مرغ به سمت منازل و مغازه‌های مسلمانان و زیر گرفتن با ماشین و ممانعت از سوار شدن یا بیرون راندن مسلمانان از اتوبوس‌های شهری، افزود آنچه در نتیجه‌ی پژوهش محرز است این است که اعمال خشونت‌آمیز بر ضد مسلمانان در انگلیس ریشه‌ی کاملاً مذهبی دارد و ابداً نژادی نیست. این حملات توسط افرادی صورت می‌گیرد که اسلام را دوست ندارند و بر این باورند که زنان محجبه و مسلمان باید از جامعه‌ی انگلستان طرد و پاک‌سازی شوند. همچنین کسانی که دست به خشونت بر ضد مسلمانان می‌زنند مسلمانان را افرادی متفاوت و مادون جوامع شهری تلقی می‌کنند.^۳

شواهد موجود در سطح اجتماعی و نیز در سطح رسمی در قالب رفتار نهادهای امنیتی و پلیسی با مسلمانان اروپا، حامی از گسترش اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی در هر دو قالب رسمی و غیر رسمی است. لذا موج جدید اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی از هراس اروپایی‌ها از رشد روز افزون اسلام و شمار مسلمانان در اروپا و پیش‌بینی‌ها در مورد غلبه جمعیتی مسلمانان در برخی نقاط اروپا تا پایان قرن بیست و یکم نشأت

۱. افشین متقی دستنایی، عملیات روانی غرب علیه جهان اسلام و تأثیر آن بر مسلمانان مقیم اروپا، فصلنامه‌ی علمی - تخصصی عملیات روانی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۵، بهار ۱۳۸۶ ص ۱۲۸.

۲. Lorraine Sheridan.

۳. مجید دانشور، کارکردهای اسلام‌هراسی در انگلیس، مجله‌ی همشهری دیپلماتیک شماره‌ی ۵۸ هشتم مردادماه ۱۳۸۴، ص ۳.

گرفته است. این موج، از سال ۲۰۰۵ با انتشار کاریکاتورهای اهانت آمیز به ساحت مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله توسط رسانه‌های دانمارک و سرایت آن به رسانه‌های دیگر در اروپا آغاز شد و با ساخت فیلم فتنه توسط گرت ویلدرز نماینده پارلمان هلند، اظهارات موهن رود پارسلی کشیش آمریکایی، اظهارات خصمانه پاپ در دانشگاه رگنسبورگ و چاپ مجدد کاریکاتورهای موهن به اوج خود رسید. در واقع این موج هتاکانه‌تر و پیچیده‌تر طراحی و اجرا شده است و در قالب آن اقداماتی چون اهانت و تحقیر اسلام و مسلمانان صورت می‌گیرد. همچنین در سطوح رسمی تلاش‌های زیادی در قالب تصمیمات ضد مهاجرتی، محدود کردن نهادهای اسلامی و امامان جماعت و تلاش جهت ارائه الگوی غربی اروپایی از اسلام صورت گرفته است.

۴. برخورد غرب با حجاب

یکی دیگر از چالش‌های مسلمانان اروپا، برخورد غرب با حجاب است. درک نادرست متقابل از جهان اسلام و غرب و تلاش دوطرف برای تخریب هویتی و مذهبی یکدیگر، بی‌شک هر دو طرف را وارد مرحله جدیدی از نفرت و کینه و برداشت نادرست از اسلام و غرب خواهد کرد. برخورد غرب با مساله حجاب به گونه‌ای است که گاهی به نظر می‌رسد برخورد با این مساله بازتابی ناخودآگاه از میل و رغبت غربی‌ها برای کم‌رنگ کردن هر آن چیزی است که نشانه یا سمبلی از فرهنگ اسلامی در آن مشاهده شود برخی از غربی‌های چنین القا می‌کنند که چون حجاب نماد فرهنگی است و با ورود آن به جوامع غرب، هویت و فرهنگ ملت غرب تهدید می‌شود، آن را منع می‌کنیم نه بخاطر این که حجاب یک پوشش اسلامی است در حالی که این حساسیت‌ها فقط حجاب اسلامی را دربرمی‌گیرد، زیرا اگر زنان هندی یا بودایی از پوشش و حجاب خود استفاده می‌کردند، هیچ‌گاه پارلمان‌های اروپا به مقابله با آنها بر نمی‌خواستند و جلساتی را به مناقشه برای چگونگی ممنوع کردن استفاده از آن پوشش برگزار نمی‌کردند.

رفتار غرب در برابر این قضیه کاملاً دوگانه است به طوری که ملاحظه می‌کنیم نخبگان غربی از حقوق همجنس‌بازان و ازدواج آنها با یکدیگر و از منتقدان اسلام و مسلمانان به بهانه آزادی بیان دفاع می‌کنند، اما در برابر ممنوعیت حجاب سکوت اختیار می‌نمایند.

۵. نگاه متفاوت مسلمانان اروپا به هویت خویش

چالش دیگری که جای توجه و تأمل دارد نگاه متفاوت مسلمانان به هویت خویش و بقای اسلام است. بسیاری از مسلمانان اروپا معتقدند آینده و بقای اسلام در گرو داشتن پوشش و بلند کردن محاسن و برافراشتن مناره‌هاست، در حالی که برخی دیگر از همین مسلمانان بویژه مسلمانان آسیایی تبار چنان با فرهنگ غرب و جوامع میزبانان درآمیخته‌اند که گویی اصلا تا چند دهه پیش، آنها نبودند که در پیشاور و اسلام‌آباد زندگی می‌کردند.

بدون تردید اسلام بیش از هر آیین دیگری در اروپا منتشر شده است، اما این انتشار نتیجه تشدید یا افزایش نشانه‌ها یا سمبل‌های شکلی و ظاهری اسلام نبوده، بلکه این پذیرش به دلیل مضامین و مفاهیم روحی و معنوی این آیین صورت گرفته و فقط انسان‌های بیزار از استیلا و حاکمیت جهان مادی را جذب خود کرده است.

به نظر می‌رسد وجه مشترک اکثر مسلمانان ساکن اروپا را باید در علقه امتی آنها به جهان اسلام و نه وابستگی بومی و محلی یا منطقه‌ای جستجو کرد و همین علقه است که موجب می‌شود توجه زیادی به مسائل اعراب و مسلمانان در فلسطین و عراق و افغانستان بشود بی‌آن‌که دغدغه خاطر یا توجهی به مسائل و قضایای محلی و بومی مانند حقوق زنان و بهبود روابط با طرف مقابل و مشارکت در زندگی سیاسی به شکلی اثرگذار داشته باشند.^۱

کشورهایی مانند فرانسه و آلمان بیشتر تمایل به ادغام مسلمانان در جوامع ملی خود دارند به شرطی که آنان با پذیرش فرهنگ و ارزش‌های کشور میزبان، چندان تأکیدی بر هویت اسلامی خود به عمل نیاورند. در مقابل، در کشورهای نظیر انگلستان امکان پابندی مسلمانان به ارزش‌های اسلامی فراهم گردیده، اما مسلمانان به صورت اقلیتی مجزا باقی مانده و با آنها به همین صورت برخورد می‌شود.^۲

۱. آینده اسلام در اروپا، روزنامه جام جم ۱۳۸۹/۳/۳۱ به نقل از روزنامه الحیاه، مترجم قیس زعفرانی.

۲. اسلام در اتحادیه اروپا، دکتر پیروز ایزدی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تهران، ۱۳۸۹، ۱۱-۱۵.

طارق رمضان معتقد است: برای اکثر اروپایی‌ها، مسلمان بودن و در اروپا زندگی کردن، بسیار مشکل به نظر می‌رسد؛ چرا که محیط آن را کاملاً غیر اسلامی و یا به عبارتی کاملاً مسیحی می‌دانند. در صورتی که اگر به اروپا از نگاه یک محیط ارزشی نگرینسته شود که در آن به ارزش‌های انسانی و بین‌المللی و حقوق واقعی افراد احترام گذاشته شود، مشکل حل می‌شود.^۱

۶. اسلام‌ستیزی رسانه‌ها

امروزه رسانه‌ها به عنوان مهمترین ابزار توسعه، انتشار و اشاعه اندیشه‌ها و نیز عامل مهمی در ساختن افکار عمومی جهان است. کشورهای غربی با داشتن تکنولوژی‌های برتر رسانه‌ای قدرت بیشتری در تصویرسازی و برجسته‌سازی اندیشه‌ها دارند. از این منظر مسئله تصویر اسلام در رسانه‌های تبلیغاتی غرب، در روزگار ما اهمیتی ویژه یافته است، زیرا رسانه‌های تبلیغاتی غرب، آینه جوامع غربی‌اند و از این طریق می‌توان، نگره غرب نسبت به اسلام و مسلمانان را کشف و درک کرد. دولت‌ها، سیاستمداران و دستگاه‌های تبلیغاتی غربی، برای دستیابی به اهداف خود از ابزارها و شیوه‌های متنوع تبلیغی، بهره می‌گیرند. مطالعات متعدد نشان داده است که وقوع برخی حوادث مرتبط با مسلمانان، موجب افزایش سطح اقدامات غیر واقع‌گرایانه می‌شود.

اسلام در بیشتر رسانه‌های تبلیغاتی غرب، «خطری بزرگ برای تمدن غربی» به حساب می‌آید و مسلمانان نیز عموماً گروه‌های خشونت‌طلب و تندرو که کشتار (قتل) را پیشه خود قرار داده و به چند همسری (تعدد زوجات) اعتقاد دارند و مخالف سکولاریسم و آمیختگی با دیگر مردم هستند، معرفی شد و این امر مسلمانان را با چالش روبرو کرده است.

۷. سیاست ترویج اسلام اروپایی

یک وضعیت کلی و عمومی در سطوح افکار عمومی، آکادمیک و سیاسی در اتحادیه اروپا در خصوص مسلمانان حاکم است که از جمله آن می‌توان به سیاست ترویج

اسلام اروپایی به عنوان راه حلی برای کاهش تنش در جوامع داخلی اروپا اشاره کرد. اصطلاح «یورو-اسلام»^۱ که تقریباً هم معنی با اصطلاح «اسلام اروپایی»^۲ است نخستین بار از سوی بسام طیبی در سال ۱۹۹۲ برای جایگزینی با عبارت «اسلام ادغام شده در جامعه اروپایی» به کار رفت. این مفهوم از طرف گروهی از متفکران مسلمان اروپایی، اسلام شناسان غربی، مسئولان حکومتی و رسانه‌ها برای حل چالش حضور مسلمانان در اروپا ترویج می‌شود.

مولفه مفهومی اصلی «اسلام اروپایی» عبارت است از باز تعریف تفسیری از اسلام که با ارزش‌های اروپایی در تضاد نباشد. اسلام اروپایی دلالت بر گرایش لیبرال و سکولار از اسلام در اروپا دارد که با ارزش‌های اروپایی هماهنگی دارد. ایده اسلام اروپایی که برخی از نویسندگان همچون بابی سعید از آن تعبیر به «پروژه اسلام اروپایی» می‌کنند، قرار است جای اعتقادات مسلمانان اروپایی را بگیرد یا دست کم با حفظ جایگاه اعتقادات پیشین، کمر به تغییرشان ببندد. اگر چه گفتمان کاملاً همگونی در ایده اسلام اروپایی مشاهده نمی‌شود، اما «سکولار کردن» یا فرایند «سکولاریزاسیون» عنصر محوری ایده اسلام اروپایی است.

از جمله مهمترین اقداماتی که برای تحقق مفهوم اسلام اروپایی صورت گرفته این است که، تلاش می‌شود تا مبلغان و حاملان اسلام در اروپا با الگوهای اروپایی سازگار شوند. بنابراین، تلاش شده است تا ساختارهای محلی برای تربیت امام جماعت در خود اروپا فراهم گردد. در سال‌های اخیر برای تربیت روحانیون، مدارس در پاریس، روتردام، بورگاندی و ولز تاسیس شده است. همچنین، تشکیل سازمان‌های اسلامی با مساعدت و تحت نظر دولت‌های اروپایی در راستای عملیاتی کردن مفهوم اسلام اروپایی در سال‌های اخیر شدت گرفته است. دولت فرانسه در سال ۲۰۰۳ شورایی را

۱. Euro-Islam.

۲. European Islam.

تحت عنوان «شورای فرانسوی دین اسلام»^۱ تشکیل داد که در قالب آن بتواند فعالیت‌های مذهبی مسلمانان را در چارچوب واحد زیر نظر داشته باشد. شورای اسلامی بریتانیا نیز که در سال ۱۹۹۶ تشکیل شد، گسترش یافت و حدود ۴۸۰ سازمان تحت پوشش را دارد.

این کشور همچنین نهادی را با عنوان «هیات امنای ملی مساجد و امامان جماعت»^۲ تاسیس نمود که هدف آن وضع رویه‌ها و قواعد واحد برای مساجد این کشور در موضوعاتی چون استخدام امامان جماعت و مبارزه با افراط‌گرایی می‌باشد. در واقع، در توجیه ایده اسلام اروپایی ابراز می‌شود که ایجاد یک مدل اروپایی - اسلامی می‌تواند فراهم آورنده چارچوبی باشد که مولفه‌های لازم برای تلفیق مسلمانان با جامعه اروپایی را بدون اینکه آن‌ها هویت اسلامی‌شان را از دست بدهند، فراهم آورده و جوامع اروپایی را نیز به گونه‌ای بازسازی کند که آن‌ها پذیرای مسلمانان بوده و بدین سان بخش رو به رشدی از شهروندی اروپایی تشکیل شود. برخی از دولت‌های اروپایی (از جمله فرانسه) و نیز افکار عمومی آنها، اسلام «اروپایی» را معادل اسلام «لیبرال» می‌دانند. بنابراین آنها طبق این برداشت، از مسلمانان می‌خواهند تا اصول بنیادین اسلام را به الگوی غرب مذهب منطبق سازند.^۳

۸. فقدان نمایندگان سیاسی

در تمام شهرهای اروپا مسلمانان در اقلیت هستند و در هیچ شهری مسلمانان دارای اکثریت نیستند. لذا با وجود میلیون‌ها مسلمان در اروپا، آنان دارای نماینده‌ای در پارلمان‌های اروپایی، به عنوان نماینده مسلمانان، نیستند. یعنی اگر مسلمانی در این کشورها وارد مجلس شده است نه به عنوان منتخب مسلمانان، بلکه به عنوان عضوی از احزاب غیر اسلامی این کشورها مطرح است. در واقع مسلمانان به لحاظ سیاسی به

۱. The French Council for the Muslim Religion.

۲. Mosques and Imams National Advisory Board.

۳. حسین‌زاده راد، کاوه، یک بدیل برای اسلام سیاسی، مجله خبری تحلیلی مهرنامه، سال دوم، ۱۳۹۰.

شدت فاقد موقعیت هستند به عنوان مثال در پارلمان فرانسه از میان ۵۵۵ نماینده، حتی یک نماینده مسلمان وجود ندارد.

۹. تهدیدی جدی به نام وهابیت

اروپا امروز با چالش جدیدی در قالب اسلام و نفوذ آن بر ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی حیات خود مواجه است. خود مسلمانان اروپایی الگوها و تفاسیر مختلفی از اسلام ارائه می‌دهند و این مسأله گفتگو با جوامع مسلمان را دشوار ساخته و نوعی سردرگمی را در میان اروپایی‌ها ایجاد کرده است. در میان مسلمانان اروپا گرایش‌های متعددی وجود دارد و هر یک از آنها عقاید و سنت‌های خود را تفاسیر درست از اسلام می‌دانند. البته برخی نظریه‌پردازان اروپایی تاکید کرده‌اند که فقدان یک دکترین و نظریه واحد و تعریف شده از اسلام در میان مسلمانان اروپا، اسلام را به اسب تروایی در داخل اروپا تبدیل کرده است. آنها می‌گویند که قرائت افراطی از اسلام در اروپا در حال قدرت گرفتن است و تعالیم سلفی نمی‌تواند با ارزش‌های اروپایی سازگاری داشته باشد. سازمان‌های مختلف اسلامی به ویژه برای جوانان مسلمان در سرتاسر اروپا ایجاد شده که اغلب توسط سرمایه‌داران سعودی و دیگر کشورهای عربی حمایت مالی می‌شود. این سازمان‌ها از دولت‌های اروپایی درخواست کمک و اعتبار مالی نمی‌کنند و بنابراین چندان قابل کنترل نیستند.

سرمایه‌گذاری برخی از کشورهای عربی چون عربستان برای سوق مسلمانان به سمت سلفی‌گری و وهابی‌گری، از تهدیدات دیگر مسلمانان در این منطقه است. چنانچه وحشی‌گری سلفی‌ها و وهابی‌ها در کشورهای اسلامی انعکاس بسیار بدی در غرب داشته است. غربی‌ها از این گونه صحنه‌ها بهره‌برداری کرده و آن را به اسلام و مسلمانان نسبت می‌دهند. به علاوه برخی افراط‌کاری‌هایی که گروه‌های تروریستی (که خود را مسلمان میدانند) در غرب مانند بمب‌گذاری در برخی اماکن عمومی انجام می‌دهند؛ اثر بدی بر نوع نگاه به مسلمانان دارد و نوعی تهدید به شمار می‌رود.

این گروه‌ها مشغول فعالیت‌های سخت‌افزاری هستند و از ابزارهای خشونت‌آمیز استفاده می‌کنند، مانند القاعده و برخی گروه‌های سلفی. این گروه حاکمیت کشورهای

اروپایی را، هم در نظر و هم در عمل، با چالش مواجه ساخته‌اند و در عین حال جان شهروندان اروپایی را با تهدید روبه‌رو کرده‌اند و بدین ترتیب، امنیت سیاسی و اجتماعی کشورهای اروپایی را با خطر مواجه ساخته‌اند.

۱۰. سخت‌گیری‌های مضاعف بر مهاجران مسلمان:

روند مهاجرت چه از نوع قانونی و یا غیر قانونی آن با توجه به موقعیت جغرافیایی، جمعیت و اوضاع اقتصادی کشورهای اروپایی یکسان نیست. آنچه که در اغلب کشورهای اروپایی از فرانسه گرفته تا هلند و سوئد و ... مشاهده می‌گردد، در حقیقت نوعی سخت‌گیری‌های مضاعف در قبال مهاجران به طور اعم و مهاجران مسلمان به طور اخص است. اما در نگاهی واقع‌گرایانه آنچه که بیشتر مورد نظر دولتمردان اروپایی است، در حقیقت مهاجران مسلمان هستند که موجبات نگرانی و دغدغه‌های آنها را فراهم آورده است؛ اما به لحاظ ملاحظات عدیده در بیان و اتخاذ موضع نمی‌توانند اشاره ای مستقیم به مهاجران مسلمان داشته باشند.

از دید بعضی از صاحب‌نظران در اروپا بسیاری از مهاجران مسلمان حاضر نیستند فرهنگ و سنن خود را رها کنند و با اروپاییان هم‌رنگ شوند. البته در این مورد نظرات عامه مردم با دانشمندان علوم اجتماعی و یا سیاستمداران ممکن است متفاوت باشد، اما درک و نگاه غالب این طرز تلقی را تهدیدی جدی بر موجودیت فرهنگ اروپایی خود می‌داند. بنابراین رشد پدیده مهاجرت که باعث افزایش چالش‌ها شده، اغلب اوقات از دید یک شهروند اروپایی به عنوان یک تهدید به شمار می‌رود. بخصوص این که این مهاجر، مسلمان باشد.^۱

نوع برخورد با مهاجران مسلمان در کشورهای مهاجرپذیر غربی، که اعتقاد به حقوق بشر دارند، همراه با نقض پنهان و پیدای حقوق ایشان است. مهاجران در این کشورها به نوعی شهروندان درجه دوم محسوب می‌شوند که همواره حقوق شهروندی ایشان در رفتارهای اجتماعی مورد تعدی قرار می‌گیرد. چه بسیار مهاجرانی که دارای ظرفیت‌های

علمی و تحصیلات آکادمیک بالایی بوده اند و مجبور به پذیرش مشاغل سطح پایین و نامناسب شده اند. مهاجران مسلمان به نسبت از امکانات مطلوبی در کشور خود برخوردار هستند و صرفاً برای استفاده از شرایط بهینه و توسعه یافتگی کشورهای غربی به این کشورها مهاجرت می نمایند.

در کشورهای اروپایی، خصوصاً فرانسه، در خلال سال‌های گذشته، جدال پُرسروصدایی بین جامعه‌ی سکولار اروپا و جمعیت مسلمانان معتقد به وجود آمده است. این جدال به شکلی است که در مارس ۲۰۰۴ قانون منع شعائر مذهبی به تصویب رسید و متعاقب آن، استفاده از حجاب اسلامی در مدارس ممنوع گردید. برنارد لوئیس، اسلام‌شناس پرآوازه‌ی انگلیسی تبار آمریکایی، در کتابی تحت عنوان «زبان سیاسی اسلام» بیان می کند که «اروپا باید اقدامی جدی در مقابل شمار روزافزون مهاجران مسلمان از خود نشان دهد، زیرا در غیر این صورت، تا پایان قرن، اروپا به شکل اروپای اسلامی درخواهد آمد.»^۱

د: چشم انداز آینده مسلمانان در اروپا:

۱. نگاه‌های متفاوت به آینده اسلام در اروپا

بحث بر سر چشم‌انداز آینده اروپا در پرتو حضور و گسترش اسلام و مسلمانان از هم اکنون در محافل اروپایی شکل گرفته است. سخنان مختلف پاپ در مورد اسلام، ممنوعیت روبنده در برخی نقاط اروپا و ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه برای دانش‌آموزان و در آلمان برای معلمان در این جهت ارزیابی می‌شود که اروپا، هراسان از گسترش اسلام در این قاره به دنبال بازیابی روح و هویت خود می‌باشد. حتی تلاش شده از حضور مسلمانان در اروپا به عنوان انگیزه‌ای برای بازگرداندن اروپای سکولار به روح مسیحی خود بهره‌برداری شود.

در سال ۲۰۰۴ برنارد لوئیس در مصاحبه‌ای با روزنامه دی سایت آلمان اظهار داشت

۱. محمد رضا رضوان طلب، مسلمانان در کشورهای فرانسه‌زبان، تهران، مجمع جهانی تقویت مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵، ص ۳۴.

که اروپا حداکثر تا پایان قرن بیست و یکم اسلامی خواهد شد.^۱ به تعبیر وی اروپا بخشی از غرب عربی خواهد بود. بسام طیبی صاحب نظر سوری مقیم آلمان معتقد است که یا اسلام اروپا زده می شود و یا اروپایی ها اسلام زده خواهند شد. وی تأکید می کند «مسئله این نیست که آیا اکثریت اروپایی ها مسلمان خواهند بود بلکه این است که کدام اسلام، اسلام شریعت یا اسلام اروپایی در اروپا تسلط می یابد».^۲

طلال اسد می گوید: «غالباً در مورد این که آیا جوامع مسلمان واقعا می توانند با اروپا سازگار باشند صحبت می شود و کمتر مسئله به این شکل مطرح می گردد که آیا نهادها و ایدئولوژی های اروپا می توانند با جهان مدرن تطبیق یابند که در آن مهاجران با فرهنگ های متفاوت، بخشی جدایی ناپذیر باشند».^۳ وی می افزاید: «اغلب مطالعات صورت گرفته در مورد اسلام در اروپا بر هضم اسلام در درون چارچوب های اروپایی تمرکز نموده و به متغیر اروپا توجه نکرده است. انگار که طرف اروپایی هیچ مشکلی ندارد».^۴

در چارچوب نگاه اروپایی ها، اسلام یک عارضه در اروپاست که قادر نیست از خود حیات مستقل و هویت اصیل داشته باشد و بدون ارجاع به استانداردهای اروپایی، قابل ارزیابی نیست. موج عمده تحقیقات در مورد مسلمانان در اروپا به روند فردی شدن، سکولاریزه شدن و بی اثر نمودن نهاد سنتی دین معطوف است. نویسندگان مختلف تلاش کرده اند از «فردی شدن اعتقادات دینی به عنوان یک تحول عمده در جوامع مسلمان اروپا»^۵ یاد کنند. یکی از طرفداران اصلی این دیدگاه، ژاکلین سزاری است

۱ . Christopher Caldwell, ۲۰۰۴, when Bernard Lewis Speaks, The Weekly Standard, Vol. ۰۱۰.

۲ . Ibid.

۳ . Luca Mavelli, ۲۰۰۸, In Europe but not of Europe, San Francisco, ISA Annual Convention, p.۱ .

۴ . Talal Asad, ۲۰۰۳, Formations of the Secular: Christianity, Islam and Modernity, Stanfoed: Stanford University Press, p. ۱۵۹.

۵ . F. Peter, ۲۰۰۶, Individualization and Religious Authority in Western European Islam, Islam and Christian-Muslim Relations, ۱۷, p. ۱۰۵.

صاحب‌نظران بحث اسلام در اروپاست که معتقد است ورود مسلمانان به چارچوب تکثرگرایی اروپا منجر به ظهور «فرد مسلمان»^۱ خواهد شد و تغییری را رقم خواهد زد که هنوز به کشورهای اسلامی نرسیده است.^۲

از نگاهی دیگر، نقش اسلام و مسلمانان در تشدید بحران هویتی اروپا و در عین حال به عنوان عاملی جهت مواجهه با این بحران هویتی مورد توجه قرار گرفته است. برخی تحلیل‌گران معتقدند که اروپا در حال تبدیل شدن به یک جامعه پسامسیحی است که فهم خود از ارزش‌های تاریخی مسیحیت را از دست می‌دهد. اورینانا فالاجی روزنامه‌نگار معروف ایتالیایی می‌گوید که دژ مستحکم مسیحیت در اروپا به سرعت جای خود را به دین جاه‌طلب و مصمم اسلام می‌دهد.^۳ به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، عنصر مشترکی که در طول تاریخ همه اروپایی‌ها را گرد هم جمع کرده مسیحیت است و این عنصر با حضور و نفوذ اسلام در اروپا روز به روز تضعیف می‌شود.

۲. نگرانی‌ها از افزایش نفوذ مسلمانان:

در مورد افزایش نفوذ مسلمانان دو نگرانی عمده مطرح شده است: نخست اینکه اگر نفوذ اسلام در سرتاسر اروپا گسترده شود، برنامه‌های وحدت اروپا دچار خدشه خواهد شد زیرا مردم این قاره بیشتر تقسیم خواهند شد و این بار نه فقط زبان بلکه دین، نقش اصلی را در این تقسیم ایفا خواهد نمود. در این صورت عامل وحدت بخش مسیحیت و بویژه مذهب کاتولیک که تمام ملت‌های اروپایی را به هم پیوند زده، تأثیر خود را از دست خواهد داد. دغدغه دوم به سنت‌های مذهبی و فرهنگی اروپا مربوط می‌شود. این سنت‌هاست که ملت‌های اروپا را در قالب یک قدرت قوی و واحد در عرصه جهانی پیوند می‌زند. در همین راستا از حدود بیست سال پیش تاکنون واتیکان و پاپ تلاش نموده‌اند تا ملت‌های اروپا را از «میراث مسیحی» شان آگاه نموده و هراسان

۱ . Muslim Individual.

۲ . Ibid.

۳ . Oriana Falacci, Will Islam Conquer Europe? The Real Truth Magazine, Sep. ۱۳, ۲۰۰۴.

از گسترش نفوذ اسلام، به احیای معنوی اروپا در چارچوب مسیحیت اقدام نمایند. بحران جمعیتی اروپای آینده و جمعیت روزافزون مهاجران مسلمان در این قاره پیش‌بینی‌های متعددی را در مورد مرگ اروپای مسیحی مطرح نموده که تأکید می‌کند رشد جمعیت مسلمانان اروپا، هویت این قاره را دگرگون خواهد کرد. جورج وایگل نویسنده کتاب «فقه، عقل و جنگ علیه جهادی‌گری» معتقد است که نزول نرخ رشد جمعیت در اروپا، مماشات با مسلمانان رادیکال و منسوخ شدن دینداری، حاکی از بحران اخلاق تمدنی در اروپا می‌باشد.^۱

۳. گرایش به اسلام، پدیده اصلی هزاره سوم

سناریوهای مختلفی در آینده وضعیت مسلمانان در اروپا متصور است که شامل: اسلام‌زدایی از سوی جوامع اروپایی، شبیه شدن مسلمانان به اروپایی‌ها، ادغام مسلمانان با جوامع اروپایی، منزوی شدن مسلمانان در اروپا، منازعه با مسلمانان و اسلام‌هویت ساز. این که کدام یک از این سناریوها غالب شود به عوامل متعددی بستگی دارد. به نظر می‌رسد در نهایت اروپا ناچار است میراث اسلامی در اروپا را به عنوان یکی از ستون‌های تمدن اروپا به رسمیت بشناسد.

اغلب کارشناسان مسائل بین‌المللی از مسأله گرایش به اسلام به عنوان پدیده اصلی هزاره سوم یاد می‌کنند. گرچه همه معادلات پس از یازده سپتامبر در جهت تضعیف و محدود کردن قدرت اسلام شکل گرفت، اما مسلمانان در کشورهای اروپایی بر سایه سنگین اسلام‌هراسی و ضدیت با اسلام غلبه کرده‌اند و اسلام و هویت اسلامی بیش از پیش مورد اقبال مسلمانان و حتی شهروندان غیر مسلمان در اروپا قرار گرفته است. در دوران معاصر، اروپا شاهد رشد گرایش به اسلام، هم در میان شهروندان عادی و هم نخبگان خود بوده است. شمار زیادی از اروپایی‌ها پس از واقعه یازده سپتامبر، به مطالعه متون اسلامی به ویژه قرآن کریم روی آوردند. به علاوه مسلمانان اروپا در واکنش به فضای رعب و وحشت و گسترش اسلام‌ستیزی و اسلام‌هراسی، بر تحرک و

فعالیت خود در مساجد و مراکز اسلامی افزودند تا بر انزوایی که اقدامات دستگاه‌های امنیتی و پلیسی و نیز جریان‌های متعصب متشکل از روشنفکران سکولار، سیاستمداران افراطی و کشیش‌های تندرو بر آنها تحمیل می‌کرد فائق آیند.^۱

۴. تعامل اروپاییان با مسلمانان:

گفت‌وگو و تعامل مثبت میان مسلمانان مقیم کشورهای اروپایی با جوامع اروپایی با هدف درک متقابل به منظور همزیستی بیشتر و احترام گذاشتن دولت‌های اروپایی به باورهای دینی و دادن آزادی‌های مدنی، علاوه بر آثار نیکویی که می‌تواند در سطح داخلی در روابط احترام‌آمیز متقابل مسلمانان با جوامع اروپایی داشته باشد، سبب تبعیت بیشتر مسلمانان از قانون در کشورهای محل زندگی‌شان خواهد شد. این مناسبات مثبت پیامدهای سازنده‌ای نیز برای روابط جهان اسلام با غرب در پی خواهد داشت. از آنجا که مسلمانان اروپا در خط مقدم ارتباط با غرب قرار دارند، در جایگاهی مناسب برای درک و شناخت غرب و بهره‌گیری از تجربیات مثبت آن از یک سو و طرح دیدگاه‌های مسلمانان و انتقادهای آنان از غرب از سوی دیگر قرار دارند. از این‌رو، می‌توان تصور کرد که این مسلمانان می‌توانند از طریق ایفای نقش واسطه‌ای تا حدود زیادی در تنظیم روابط میان جهان اسلام و غرب تأثیرگذار باشند. در واقع، براساس یک الگوی «جامعه‌پذیری» ملایم و قابل تحمل فضایی به وجود خواهد آمد که می‌تواند به جرح و تعدیل رفتارهای دو طرف منجر شود. به عبارت دیگر، این مسلمانان می‌توانند پلی بین نخبگان جوامع اسلامی و جوامع غربی باشند و زمینه را برای تعامل بیشتر و روابط سازنده‌تر میان اسلام و غرب فراهم آورند. از سوی دیگر، رفتار توأم با مدارا و تسامح غرب با مسلمانان سبب تلطیف جو روابط حاکم بر جهان اسلام و غرب خواهد گردید و می‌تواند زمینه‌ساز رفع سوء تفاهمات و به وجود آمدن اعتماد متقابل بین دو طرف گردد.^۲

۱. شیرغلامی، جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۳۸۸، صص ۳۹۵-۴۴۹.
۲. اسلام در اتحادیه اروپا، دکتر پیروز ایزدی، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تهران، ۱۳۸۹، ۱۱-۱۵.

خوش بینانه‌ترین سناریو از وضعیت مسلمانان در آینده اروپا این است که مهاجران مسلمان و اروپایی‌ها به صورت هماهنگ در این قاره هم زیستی خواهند داشت. الگوی این سناریو در کتاب «فرانسه، فرصتی برای اسلام» تالیف جین هالان و پیرپاتریک کلانتباخ ارائه شده است. این دو می‌گویند: «برای نخستین بار در تاریخ، این فرصت به اسلام داده شده که در کشوری دموکراتیک، ثروتمند، سکولار و صلح طلب، فعالیت و رشد داشته باشد» این امید همچنان زنده است. جاسیلین سزر استاد یار رشته مطالعات اسلامی در دانشگاه‌ها روارد نوعی تعادل و توازن قابل زیست را پیشنهاد میکند که مبتنی بر این امر است که اسلام اروپا را عوض کند و اروپا هم در جای خود اسلام را با تحولاتی رویارو کند. وی این نکته را کشف کرده که مسلمانان ساکن اروپا تمایلی به تغییر دادن ماهیت کشورهای اروپایی ندارند. وی انتظار دارد که مسلمانان خود را با روندها و نظامات اروپایی سازگار کنند!

رمان‌نویس کانادایی‌هاوماکیلان از دو دستگی انگلیسی‌زبانان و فرانسوی‌زبان در کشور خود به «دو انزوا» یاد میکند. چنین چیزی در اروپا و در حجمی گسترده‌تر و رو به فزونی وجود دارد. برای مثال نظرسنجی‌هایی که از مسلمانان انگلیسی‌زبان شده نشان می‌دهد که اکثریت آنان هویت انگلیسی و هویت اسلامی خود را در اصطکاک با یکدیگر می‌بینند و خواستار قانونی اسلامی هستند. ما میتوانیم از این احتمال که مسلمانان ماهیت اروپایی را بپذیرند و به صورتی طبیعی در آن ادغام شوند صرف نظر کنیم. پروفیسور بسام طیبی که همواره خاطر نشان می‌کرد نه اسلام اروپایی خواهد شد و نه اروپا مسلمان؛ بسیار دشوار است تصور کنیم اروپای غربی آینده‌ای جز مسلمانی داشته باشد و یا این که در آن جنگی خانگی رخ دهد. حقیقت این است که این دو راه مفروض پیش پای اروپا به هر روی تحت تاثیر نیروهایی مؤثر قرار دارد که می‌تواند کفه هر کدام از آنها را سنگین‌تر کند.^۲

رشد فزاینده‌ای که اسلام در کشورهای اروپایی داشته است کسانی را که نوعی منافع

۱. شیرغلامی، خلیل، همان.

۲. دنیل پاپیس، آینده مسلمانان در اروپا، هفته نامه، پگاه حوزه، ۱۳۸۸، اردیبهشت ۱۳۸۸.

خود را در خطر می‌دیدند به عکس العمل وا داشت. تا جایی که روبرت اسپنسر به نقل از برنارد لوئیس (محقق آلمانی ضد اسلام) می‌گوید: در پایان قرن ۲۱- اروپا مسلمان خواهد شد.

کارشناسان آمار، با مقایسه رشد دو جمعیت مسلمان و مسیحی در فرانسه، معتقدند که این کشور حداکثر تا ۴۰ سال آینده به کشوری با اکثریت جمعیت مسلمان تبدیل خواهد شد.

کلاوس کینکل؛ وزیر خارجه اسبق آلمان می‌گوید: در حالی که اسلام، در سی سال پیش از این، هیجده درصد جمعیت دنیا را داشت؛ اینک به یک چهارم جمعیت دنیا؛ یعنی یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر رسیده. است روزنامه پر تیراژ «سیدنی مرنینگ هرالده» نیز می‌نویسد: اسلام از مرزهای جغرافیایی عبور می‌کند، مکتب‌های سیاسی و رژیم‌های ملی را پشت سر می‌گذارد و کشورهای گوناگون، شاهد تحرک سیاسی و رشد پاینده اسلام خواهند بود.^۱

۵. ضرورت انسجام مسلمانان:

چالش‌ها و تهدیدهای فراروی مسلمانان در اروپا موجب می‌شود که نگران وضعیت مسلمان در غرب باشیم و باید چاره ای بیاندیشیم. در این راه از یک سو باید به دیپلماسی عمومی برای مقابله با اسلام‌هراسی فکر کرد و از طرفی دیگر، هر مسلمانی باید با اسلام‌هراسی و این وضعیت مقابله کند و به دفاع از حقوق مسلمانان در غرب بپردازد. جدا از این، هر گونه پیروزی گروه‌های راست افراطی و تند، می‌تواند شرایط را برای مسلمانان سخت‌تر کند. مسلمانان این قاره باید منسجم گردند و در عرصه‌های سیاسی وارد شوند. تعداد مسلمانان در این قاره به اندازه‌ای است که اگر بخواهند به نفع حزبی و گروهی رای دهند، امکان پیروزی این گروه و حزب را بیشتر می‌کند. لذا در صورت تحقق این امر، احزاب موجود برای جذب مسلمانان تلاش خواهند کرد و این موجب می‌شود تا بر شعارها یا محورهایی شامل حقوق مسلمانان توجه کنند. آنچه

۱. رانسیمان، استیون؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۴۲.

مشخص است این که، علی رغم همه این فشارها، وضعیت و موقعیت مسلمانان در کشورهای غربی رو به بهبود است. گذشته از این، فشارها بر روی مسلمانان رو به افزایش است و لازم است سازمان‌هایی در کشورها اسلامی و از جمله در ایران در دفاع از حقوق اقلیت‌های مسلمان در کشورهای اروپایی و غیر مسلمان، تشکیل گردد و مورد حمایت قرار گیرد.^۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه‌گیری

با توجه به حضور رو به رشد اسلام در اروپا، ممکن نیست که تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه بدون در نظر گرفتن جایگاه مسلمانان آن درک شود. در چنین شرایطی، اسلام می‌تواند به شدت و سرعت در اروپا گسترش یابد. همین موضوع سبب شده است که کشورهای غربی، صاحبان سرمایه و نظام لیبرالیستی در فکر چاره‌ای برایند و اسلام را در اذهان مردم خدشه دار کنند. اقدامات اسلام هراسی هم بر همین مبنا استوار است. یعنی این گونه تبلیغ می‌کنند تا مردم به سمت آشنایی با اسلام نروند و یا قبل از آشنا شدن با اسلام، قضاوتی منفی نسبت به آن پیدا کنند.

مسلمانان مهاجر به اروپا نه تنها در فرهنگ غرب ذوب نشده‌اند بلکه با انسجام بیشتر و تشکیل مراکز، مساجد و انجمن‌های اسلامی که امروزه شاهد رشد روز افزون آن‌ها در مغرب زمین هستیم، نه تنها هویت و فرهنگ اصیل اسلامی خود را حفظ نمودند بلکه تأثیر فراوان در محیط خود داشته‌اند، به نحوی که شاهد گرایش افراد زیادی از اروپاییان به اسلام بوده و هستیم.^۱

وضعیت آینده و چشم انداز حضور و وضعیت مسلمانان در اروپا، می‌تواند به طور نسبی به شرح زیر باشد: افزایش و گسترش جمعیت مسلمانان در قاره اروپا. عدم اثر گذاری و محدودیت‌های اعمال شده دول غربی علیه مسلمانان در اروپا. منسجم شدن و افزایش نهادهای مدنی و انجمن‌های دینی مسلمانان در اروپا. راه‌یابی به محافل قانون‌گذاری و پارلمانی توسط مسلمانان در اروپا. افزایش وحدت هر چه بیشتر مسلمانان سایر کشورها در حمایت‌های حقوقی و مدنی از مسلمانان مقیم اروپا و...

با وجود محدودیت‌های گوناگون، امروزه اسلام از موقعیت خوبی در کشورهای اروپایی برخوردار است. هر چند هنوز مسلمانان نتوانسته‌اند در ساختار سیاسی و قدرت در کشورهای اروپایی جایگاه درخوری را به دست آورند، لکن در سطح اجتماعی و فرهنگی موقعیت جوامع اسلامی روزبه‌روز در حال افزایش است.

۱. مسلمانان اروپا و آمریکا، معاونت بین الملل سازمان فرهنگ، نشر الهدی، سال ۱۳۸۶، ص ۷.

فهرست منابع

۱. ایزدی، پیروز، اسلام در اتحادیه اروپا، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تهران، ۱۳۸۹.
۲. بالمر، مارتین و جان سولوموز، مطالعات قومی و نژادی قرن ۲۰، ترجمه‌ی پرویز دلیرپور، سید کمال سروریان، تهران، مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱.
۳. بجنوردی، کاظم، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴.
۴. ثواقب، جهانبخش، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۵. جوجن نیلسن، مسلمانان اروپای غربی، ترجمه سید محمد روئین تن، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
۶. حسین‌زاده راد، کاوه، یک بدیل برای اسلام سیاسی، مجله خبری تحلیلی مهرنامه، سال دوم. ۱۳۹۰.
۷. دانشور، مجید، کارکردهای اسلام‌هراسی در انگلیس، مجله‌ی همشهری دیپلماتیک، شماره‌ی ۵۸، مردادماه ۱۳۸۴.
۸. دنیل پاپیس، آینده مسلمانان در اروپا، هفته نامه پگاه حوزه، سال ۱۳۸۸، اردیبهشت ۱۳۸۸.
۹. دورانت، ویل؛ تاریخ تمدن، ترجمه ابوطالب صارمی و دیگران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸.
۱۰. رانسیمان، استیون؛ تاریخ جنگ‌های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴.
۱۱. رضوان طلب، رضوان طلب، مسلمانان در کشورهای فرانسه‌زبان، مجمع جهانی تقویت مذاهب اسلامی، ۱۳۸۵.
۱۲. رهنمایی، احمد، غرب‌شناسی، تهران، مؤسسه‌ی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.
۱۳. زعفرانی، قیس، آینده اسلام در اروپا، روزنامه جام جم ۳۱/۳/۱۳۸۹.
۱۴. سیف زاده، سید حسین، معمای امنیت و چالش‌های جدید غرب، مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه ۱۳۸۳.
۱۵. شیر غلامی، خلیل، جایگاه اجتماعی و سیاسی مسلمانان در اروپا، دفتر مطالعات سیاسی وزارت خارجه، ۱۳۸۸.
۱۶. طارق رمضان، آینده اسلام در اروپای غربی، پگاه حوزه، بهمن ۱۳۸۲، شماره ۱۲۰.
۱۷. کوچلر، هانس، روابط اسلام و مسیحیت در اروپا گذشته، حال، آینده، مترجم، سمیه چراغی، دائره المعارف طهور، ۱۳۸۹.
۱۸. لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ترجمه محمد تقی فخر، دنیای کتاب، تهران، ۱۳۷۷.
۱۹. متقی دستانی، افشین، عملیات روانی غرب علیه جهان اسلام و تأثیر آن بر مسلمانان مقیم اروپا، فصلنامه‌ی علمی - تخصصی عملیات روانی، سال چهارم، شماره‌ی ۱۵، بهار ۱۳۸۶.
۲۰. مجیدی، محمدرضا و محمدمهدی صادقی، تأملی انتقادی در مفهوم و ایده «اسلام اروپایی»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، ۱۳۹۱.
۲۱. مختاری، محمد مهدی، مهاجران مسلمان و چالشهای آینده اروپای متحد، نشر اطلاعات، ۱۳۸۸.

۲۲. مرشدی‌زاده، علی، تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان در اتحادیه اروپا، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۸۸.
۲۳. مظفر اقبال، چالش‌های فراروی غرب و مسلمانان، ترجمه سید عبدالمجید طباطبایی، بوستان کتاب، ۱۳۷۷.
۲۴. واحد اروپا و آمریکا، مسلمانان اروپا و آمریکا، معاونت بین الملل سازمان فرهنگ، نشر الهدی، سال ۱۳۸۶.
۲۵. Muslims in Europe: Intergration Policies in Selected Countries, CRS Report for Congress, ۲۰۰۵. Paul Gallis and Others,
۲۶. ISLAM IN EUROPE, Aziz AL-Azmeh and Effie Fokas, UK, Cambridge, ۲۰۰۷
۲۷. Bethany Stotts, ۲۰۰۸, Islam and Europe's Furute, www.campusreportonline.net
۲۸. Oriana Falacci, Will Islam Conpuer Europe? The Real Truth Magazine, Sep. ۲۰۰۴
۲۹. F. Peter, ۲۰۰۶, Indifidualization and Religious Authority in Western European Islam, Islam and Christian-Muslim Relations, ۱۷,
۳۰. Christopher Caldwell, ۲۰۰۴, when Bernard Lewis Speaks, The Weekly Standard, Vol. ۰۱۰.
۳۱. Luca Mavelli, ۲۰۰۸, In Europee but not of Europe, San Francisco, ISA Annual Converntion,
۳۲. Talal Asad, ۲۰۰۳, Formations of the Secular: Christianity, Islam and Modernity, Stanfoed: Stanford University Press.
۳۳. R.Miles & M.Brown, (۲۰۰۳). Racism. London, New York, Routledge,
۳۴. Social Work and Minorities, European Perspectives. London, New York, Routledge
۳۵. <http://www.euro-islam.info/country-profiles/united kingdom>
۳۶. <http://www.farsnews.com/printable.php>